



مرکز مجاز امام صادق علیه السلام

اصول الفقه (ملازمات عقليه)

نتیجه گیری ۲

جلسه ۱۸۱

استاد رفعتی

توضیحات تکمیلی:

مصالح احکام مولویّه شرعیّه که ملاکات و مناطات احکام شارع هستند، ضابطه‌ی قابل درکی برای ما ندارند تا ما با عقول خود آنها را ادراک نمائیم؛ زیرا لازم نیست که این مصالح درک شده توسط عقل ما عینا همان مصالح عمومی که حفظ نظام اجتماعات و ابقاء نوع انسانی بر آن بناء شده و مناطات احکام عقلیّه در مسئله تحسین و تقبیح عقلی هستند باشند؛ بنابراین برای عقل به ملاحظه اینکه عقل است، هیچ راهی جهت ادراک تمام ملاکات احکام شرعیّه وجود ندارد؛ لذا وقتی عقل، مصلحت یا مفسده‌ای را در چیزی درک نمود و این درک مستند به ادراک مصلحت یا مفسده عامه‌ای که جمیع عقلاء در ادراکش با هم متساوی هستند نبود، نمی‌تواند حکم کند به اینکه واجب است شارع نیز بر طبق این حکم، حکم نماید؛ زیرا ممکن است در اینجا امر دیگری بوده که مناط حکم شارع را آن تشکیل داده باشد؛ یا احیانا مانعی در بین بوده که از حکم شارع بر طبق حکم عقل ممانعت نماید ولو آنچه را که عقل درک کرده مقتضی برای حکم شارع باشد؛ از این رو می‌گوئیم: اینطور نیست آنچه را که شرع به آن حکم نموده عقل نیز بر طبقش حکم کند (گاهی درک عقل کمتر از آن است بتواند ملاک حکم شرع را کشف کند) و به همین معنا اشاره دارد فرموده امام صادق علیه الصلوة و السلام: انّ دین الله لا یصاب بالعقول (دین خدا با عقول درک نمی‌شود).



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

انکار قیاس و استحسان

به خاطر همین امر است که شیعه، قیاس و استحسان را از جمله ادله بر احکام شرعی نمی‌داند؛ چه آنکه بناء قیاس بر ادراکات عقلی و مناطاتی است که به وسیله عقل درک شده و همان طوری که گفتیم، نمی‌توان آنها را مدرک بر استنباط احکام شرعی دانست.

نکته مهم:

اگر آنچه را که صاحب فصول (ره) و اخباری‌ها انکار کرده (بین حکم شرع و عقل ملازمه‌ای وجود ندارد)؛ ملازمه در مثل این گونه مدرکات باشد که از مستقلات عقلیه بحساب نمی‌آیند، انکارشان بجا بوده و حق با ایشان است و ما نیز با آنها موافق بوده و نزاعی نداریم؛ ولی این معنا از ملازمه‌ای که مورد بحث در مستقلات عقلیه است خارج می‌باشد و اگر مقصودشان انکار مطلق ملازمه است حتی در مستقلات عقلیه؛ چنانچه از بعضی تعبیراتشان این طور استفاده می‌شود؛ انکار صحیحی نیست.

بنابراین می‌توان بین طرفین نزاع را صلح داده و اختلاف را مرتفع بدانیم و آن به این نحو است که کلام اخباری‌ها و صاحب فصول (ره) را توجیه کرده به طوری که با قائلین به ملازمه موافق آید؛ چنانچه این توجیه هیچ بعدی نداشته و پاره‌ای از کلمات ایشان تاب این توجیه را دارد.